

بررسی و بازکاوی آموزش های پیش دبستانی و نقش آن در رشد مهارت های کودکان

آرش مرادیان^۱، داود نوری زاد^۲

^۱ کارشناس ارشد علوم تربیتی، گرایش مشاوره مدرسه

^۲ کارشناس ارشد علوم تربیتی، گرایش آموزش ابتدایی

چکیده

یکی از جنبه هایی که توجه خاص علمای تعلیم و تربیت و روان شناسان را به خود جلب نموده سالهای اولیه زندگی کودک است. چه در این سنین است که چهار چوب اصلی شخصیت کودک پیریزی می شود و در مراحل بعدی رشد و تکامل می یابد. این مساله باعث گردید که به تعلیم و تربیت کودک در سنین پیش از دبستان با دیدی عمیق و علمی نگاه شود و کودک به عنوان رکن اساسی تعلیم و تربیت پیش از دبستان مورد توجه متخصصان و مسئولان تربیتی قرار گیرد. از طرفی کودکان بزرگترین ثروت هر کشور محسوب می شوند و امروز تردیدی وجود ندارد که سرمایه گذاری در راه تامین سعادت و رفاه اطفال و تعلیم و تربیت آنان از سرمایه گذاری در هر رشته دیگری سودمند تر و نتیجه بخش تر است. به طور کلی سالهایی را که کودکان در مهد کودک یا آمادگی می گذرانند از حساس ترین دوران زندگی آنان محسوب می شود و مخصوصاً از لحاظ ساختن مهارت های آنها بسیار حائز اهمیت است. از این رو در تحقیق حاضر، به لحاظ اهمیت موضوع به بررسی و بازکاوی آموزش های پیش دبستانی و نقش آن در رشد مهارت های کودکان پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: آموزش، پیش دبستانی، کودکان، مهارت، کودک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

امروزه پیش دبستانی پلی است که کودک را با مدرسه ارتباط می دهد. دوره ی پیش دبستانی نحوه ی ارتباط با مربیان را به کودک آموخته و به او یاد می دهد چگونه با بزرگ ترها ارتباط برقرار نماید. دوره ی پیش دبستانی با دوره مهد کودک تفاوت های بسیاری دارد، چون در دوره ی مهدکودک، کودک صرفاً بازی می کند، تغذیه می شود و نهایتاً شعر یا قصه یاد می گیرد و بعد هم استراحت کرده و سپس آماده رفتن به منزل می شود. به عبارت بهتر، کودک آموخته است که باید مدت زمانی را در مهدکودک گذرانده و بعد هم به اتفاق والدین راهی خانه شود. از طرفی، مهدکودک معمولاً پذیرای کودکان مادران شاغل یا کودکان خانواده های مرفه است، در حالی که در دوره ی پیش دبستان، کودک با همسالانی از تمام اقشار جامعه مواجه است. در این دوره - که آموزش نقش مثبت خود را بیش از پیش نشان می دهد- کودک می آموزد، نقاشی می کشد، قصه می گوید و حتی ایفای نقش می کند. گذراندن دوره ی ۹ ماهه ی پیش دبستانی، کودک را آماده می کند تا بتواند با مربی ارتباط برقرار نماید. زیرا نخستین مکان جدیدی که کودک پس از جدا شدن از خانه و خانواده به آن وارد شده و حضور در فضای جدید را تجربه می کند، همین دوره است.

کودکان نیازمند محیط هایی هستند که بتوانند به قابلیت های عاطفی و اجتماعی آنان غنا بخشیده و آنها را تقویت نماید. رکن اساسی آموزش کودک در این دوره، مربیان هستند، مربیانی آگاه و توانمند که کودک را دوست دارند. مربی پیش دبستانی باید به این باور رسیده باشد که می تواند در کنار خانواده، بخشی از مسئولیت آموزش کودک را بر عهده بگیرد. همچنین طراحی فضای فیزیکی مراکز پیش دبستانی باید به گونه ای باشد که برای کودک مطلوب، شادی بخش و برخوردار از حداقل امکانات لازم باشد. باید وسایل و ابزار، متناسب با سن کودک و قابلیت های او فراهم شوند، زمینه ی رشد، یادگیری مفاهیم ریاضی، استدلال کردن، خواندن و نوشتن و زبان آموزی را به شکل غیرمستقیم فراهم می کنند. محور اصلی در این آموزش ها بازی است. بازی کار کودک است. بنابراین باید آن را با ارزش، مثبت و برای کودک ارزشمند تلقی کرد. با فراهم کردن شرایط مناسب این امکان برای کودک مهیا می شود. لازم به ذکر است مفاهیم و محتوای آموزش هایی که در دوره پیش دبستانی به کودک داده می شود، بسیار مفید و ضروری می باشند. چون همان گونه که در مقاطع مختلف تحصیلی، واحدهای درسی وجود دارد، در دوره ی پیش دبستانی نیز واحدهای کار گنجانده شده است، به این معنی که آموزش ها با هدف انتقال مفاهیم ریاضی، دینی و زبان آموزی ارائه می شود. برای مثال تعریف یک داستان، به زبان آموزی کودک کمک می کند و دایره ی لغت او را گسترش می دهد، این امر در خصوص کودکان دو زبانه، اهمیت بیشتری دارد. در دوره ی پیش دبستانی، مربی محوریت داشته و نقش او در تربیت کودک پررنگ است، باید مربیان را در امر آموزش تربیت کرد که خوشبختانه در حال حاضر وزارت آموزش و پرورش برای مربیان پیش دبستانی این امکانات را فراهم نموده است. به طور کلی کودکان هر جامعه پایه های اساسی آن جامعه هستند، لذا برای ساختن جامعه ای مطلوب باید پایه های آن مستحکم شوند. برای پیشبرد اهداف، باید مربیان را آموزش داد و واحد کار در اختیار ایشان قرار داد تا بتوانند به نحو موثرتری اطلاعات را به کودکان انتقال دهند. لذا هدف این مقاله بررسی و بازکاوی آموزش های پیش دبستانی و نقش آن در رشد مهارت های کودکان است، که در این مقاله به این موضوعات پرداخته شده است.

۲- مبانی نظری

۱-۲- نهادهای پیش دبستانی

نهادهای پیش دبستانی بر پایه دمکراسی بنا گردیده و به همین دلیل فعالیتهای آنها نیز بایستی با رعایت ارزشهای خدشه ناپذیر دموکراتیک صورت گیرد. یکایک کارکنان نهادهای پیش دبستانی بایستی در جهت هموار نمودن اعتلای ارزشهای انسانی و نیز ارج نهادن بر ارزشهای اجتماعی تلاش نمایند. یکی از وظایف عمده این فعالیتهای نهادینه کردن ارزش ها و معیارها نیست که جامعه ما بر آنها استوار گردیده است. به عبارت دیگر احترام به شخصیت افراد، رعایت آزادی و حیثیت اجتماعی آنان، اصل برابری انسانها، برابری زن و مرد و نیز ابراز همبستگی با ضعیفان و قشرهای آسیب پذیر جامعه ارزشهاست نیست که کارکنان نهادهای بایستی در امور روزمره خود رعایت نمایند.

ارزشهای پایه ای در واقع بیانگر و رهنمود اخلاقی است که کار امور پیش دبستانی را تحت الشعاع قرار می دهد. احترام به دیگران، در نظر داشتن عدالت و برابری و نیز رعایت حقوق خود و دیگران می بایستی در سرلوحه کار نهادها قرار گیرد. کودکان این ارزشها را در ضمن تجربیات روزمره خود فرا می گیرند. رفتار بزرگسالان بر درک و برداشت کودکان در امر رعایت حقوق و وظایف خود در یک جامعه دموکراتیک تاثیر گذاشته و از این رو این رفتار برای آنان از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. نهادهای پیش دبستانی باید توان و استعداد کودکان در درک مسئولیت و ایفای نقش اجتماعی را در آن چنان مسیری پرورش دهند که پایه های جامعه ای مبتنی بر همبستگی و تحمل رفتار دیگران همان اوان شکل گیری شخصیت شان را تحت تاثیر قرار دهد. مهدکودک بایستی احساس همدردی در کودکان را تقویت کرده و آنان را در درک وضعیت دیگران کمک کند. فعالیت های مهدکودک بایستی در پرتو دلبستگی به فرد و بالا بردن توان کودک در ابراز همبستگی و رعایت حال دیگران، مثلاً درک و احترام به این امر در انسانها دارای طرز فکر و روش های زندگی گوناگونی کنشهای فکری و رفتاری خود را در روابط روزمره با یکدیگر سازمان بخشند را برآورده نماید. درهای نهادهای پیش دبستانی باید بر روی هرگونه برداشت و عقیده شخصی باز بوده و راه ابراز آنان را هموار کند. کودکان باید بتوانند خود فکر کرده و بر پایه شرایط خود عمل نمایند. مشارکت در امور و اعتماد به نفس در کودک بایستی تشویق و تقویت گردد. والدین نیز می بایستی با همین اهداف و آمال و نیز مطمئن از اینکه فرزندانشان تحت تاثیر این و یا آن طرز تفکر قرار نمی گیرند، آنان را به نهادهای پیش دبستانی بسپارند.

۲-۲- وظایف نهادهای پیش دبستانی

به طور کلی مهدکودک و کودکستان، کودکان را جهت پیروسی آموختن دانش سراسر عمری آماده می کنند. این پیروسی باید برای همه شرکت کنندگان در آموزش خوش آیند، امیدبخش و پربار باشد. پیروسی ای مرکب از فعالیتهای پداگوژیک، مراقبت، تعلیم و تربیت، هدف این باشد که با همکاری والدین راه پرورش انسانهای مسئول و اجتماعی هموار گردد. پیش دبستانی باید بتواند والدین را در رشد و تربیت فرزندان خود یاری دهد. به این معنی که کودکی بتواند بنا به توان و استعداد خود رشد نماید.

فعالیتهای پداگوژیک بایستی کلیه کودکان مهد و کودکستان را در برگیرد. کودکانی که در مقایسه با دیگران به کمک بیشتری نیازمندند باید بتوانند بر اساس آنچه که احتیاج دارند دریافت نمایند. در اینجا نقش کارکنان در درک و تطابق خود با شرایط کودک و جلب اعتماد والدین مهم می باشد. زیرا که این امر موجب اشتیاق کودک مسئله دار در آمدن به کودکستان بوده و مثبت می باشد. کلیه کودکان باید لذت موفقیت در انجام کار و پیشرفت را تجربه کرده، بتوانند مشکلی را حل کرده و خود را فرد مفیدی از یک جمع حس نمایند.

نهاد پیش دبستانی بایستی این نکته که کودکان در محیط های گوناگون بزرگ شده و بر اساس تجربیات شخصی خود ارتباط برقرار کرده و به مفهوم سازی می پردازند توجه داشته باشد. بزرگسالان بایستی آنان را در کسب اعتماد به نفس و به دیگران یاری دهند. حس کنجکاوی، ابتکار سازندگی، علائق و شوق به یادگرفتن بایستی تقویت گردد. از جمله وظایف نهاد پیش

دبستانی نیز این است که نیروی سازندگی و فرهنگ سازی کودک را بکار گرفته و در ضمن میراث فرهنگی، ارزشها، سنتها، تاریخ، زبان و دانش خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند.

پروژه بین المللی شدن جامعه سوئد شرایطی را فراهم آورده که به موجب آنها انسانها می بایستی خود با زندگی در یک جامعه چند فرهنگی همساز نمایند. کودکان نقطه ملاقات اجتماعی است که می تواند این همسازی را تحقق بخشیده و کودکان را برای زندگی در جامعه ای چند ملیتی آماده سازد. آگاهی از فرهنگ خود و سهیم شدن در فرهنگ دیگران توان انسان در درک شرایط زندگی و ارزشهای فرهنگی دیگران را ارتقاء می بخشد. کودکان می توانند کودکان خارجی تبار و یا متعلق به گروه های اقلیت را در کسب هویت چند فرهنگی کمک کند.

کودکستان باید محیط امنی برای کودکان بوده و امکانات بازی و فعالیت آنان را فراهم سازد. همچنین نیاز به کاوش در دنیای اطراف را در آنان بیدار نماید. بچه ها باید در محیط کودکستان با بزرگسالانی که با استعدادهای آنها آشنا هستند در فعالیتهای فردی و گروهی ارتباط داشته باشند.

قدرت برقراری ارتباط، کسب دانش و توان همکاری در جامعه ای که همواره دچار دگرگونی بوده و اطلاعات به سرعت گسترش می یابد از ملزومات به شمار می رود.

کودکستان باید پایه های فراگیری دانشی که در جامعه آینده در خدمت همه ی شهروندان قرار می گیرد را پی ریزی نمایند. کودکان باید این امکان را بیابند که توان مشاهده ای و واکنشی خود را بالا ببرند. کودکستان باید آن چنان محیط اجتماعی و فرهنگی زنده ای باشد که بتواند قدرت ابتکار کودکان را به کار گرفته و ظرفیت اجتماعی و ارتباطی آنان را گسترش دهد. کودک همچنین باید امکان یابد که شخصاً در امری کندوکاو نموده و به پرسش و پاسخ بپردازد.

بازی نقش مهمی در امر آموختن و پرورش کودک ایفا می کند. استفاده آگاهانه از بازی در این راستا بایستی سرلوحه کار کودکستان قرار گیرد. بازی و روشهای شادی آور قدرت تخیل، احساس، ارتباط، توان تفکر سمبولیک و نیز توان همکاری و یافتن راه حل در کودک را بالا می برد. کودک در بازی سازنده و تجسمی امکان می یابد که احساسات، خاطرات و تجربیات خود را بیان کرده و مورد مذاقه قرار دهد.

کودکستان بایستی مسیر یادگیری را هموار نماید و این خود مستلزم بحث خلاق درباره محتوای مفاهیم واژه های دانش و یادگیری در گروه های کار می باشد.

۲-۳- تاریخ ظهور مراکز پیش از دبستان «کودکستان» و «مهدکودک» در جهان

در تاریخ آموزش و پرورش دوران کودکی، کودکستان ها نسبت به مهدکودکها ریشه های عمیق تری دارند. - اگرچه آغاز رشد کودکستان ها در اروپا ثمره تفکر و نوشته های کمینوس روسو، پستالوزی و هربرت می باشد. ولی در حقیقت این فردریک فروبل آلمانی است که اولین کودکستان را در سال ۱۸۳۷ در بلانکبرگ آلمان بنا نهاد و از همان زمان نام کودکستان (باغ کودک) معمول گشت.^۱

آلمان (باغ کودکان فروبل)

کودکستان ها در آلمان در نیمه اول قرن نوزدهم ایجاد شد فروبل یک رشته فعالیتها را برای کودکان تا شش ساله طرح ریزی کرد. این سری فعالیتها بر اساس فلسفه مذهبی عرفانی وحدت انسان و طبیعت، انسان و خداوند و انسان و سایر افراد بشر استوار بود. استفاده از مباحثی چون هدایا، بیسته ها و بازیهای مادر و نیز مراقبت از گیاهان و جانوران مجموعه کار اصلی باغ کودکان فروبل را تشکیل می داد.

^۱ - مفیدی

باغ کودکان فروبل به شکل یک حرکت فرهنگی به تدریج توسعه یافت و کودکانهای متعددی در نقاط مختلف آلمان تاسیس شد با گسترش آموزش کودکانی نیاز به تربیت (مربیان کودک) مخصوص بود طولی نکشید که موسسات تربیت مربی عده ای زنان جوان آلمانی را به عنوان دانشجو فرا خواندند.

آمریکا:

همراه با سیل مهاجرت آلمانیها به آمریکا در اواسط قرن نوزدهم بسیاری از زنان آلمانی که دوره تربیت کودک را دیده بودند به آن کشور آمدند بسیاری از زنان که خواهان به کارگیری اصول باغ کودکان فروبل در تربیت فرزندان خود بودند اقدام به تاسیس کودکان در خانه خود بودند.

خانم کارل شورز^۲ که دوره کودک را در آلمان گذرانده بودند از فرزندان بستگانش دعوت کرد تا به خانه او بیایند و همراه با کودکان او آموزش ببینند. بدین ترتیب اولین کودکان آمریکا در سال ۱۸۵۵ در شهر واترتون ایالت ویسکانسین تاسیس شد. در دهه های ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰ کودکانهای دیگر در خانه زنان آلمانی- آمریکایی و یا در موسسات فرهنگی آلمانی- آمریکایی در نقاط مختلف آمریکا شروع به کار کردند.

اصلاح کودکانها

با آغاز قرن بیستم نوعی دگرگونی در آموزش کودکانی آمریکا پدید آمد. متخصصان تعلیم و تربیت کودکانهای سنتی به این نتیجه رسیدند که فروبل اصول خاص تعلیم و تربیت کودکان را کشف کرده است، اصولی که در همه زمانها به همه کودکان مربوط می شود.

گروهی مربیان آزادی خواه دریافتند فلسفه آموزشی فروبل خود بسیار پرمعنی تر از روشها و فعالیتهای آموزشی خاص است. که از آن فلسفه نشات می گیرند.

ظهور نهضت مطالعه وضع کودک نوعی حمایت از نظریه این مربیان آزادی خواه محسوب می شد. این نهضت در آن زمان از طریق مطالعه و مشاهده کودک ضابطه ای تجربی بر شناخت دوران کودکی می نهاد و حرکتی پیشرو در تعلیم و تربیت به شمار می آمد که بر آزادی فعالیت کودکان در کلاس تاکید داشت. فلسفه نو ظهور نهضت اصلاح کودکانها شاید در سال ۱۹۱۳ توسط اسمیت هیل در دومین گزارش کمیته دوازده نفره اتحادیه بین المللی کودکانها به بهترین وجه عنوان شده باشد. به نظر او محتوای برنامه های کودکانی پیش از آنکه با زندگی کودکانی از نسل دیگر و با فرهنگ دیگر پیوند داشته باشد می بایست به زندگی فعلی کودک مربوط می شود.

باید کودک را در آشنایی با تمدن عصر خود یاری کرد و این امر با استفاده از تجارت شخص او به بهترین وجه و به گونه ای واقعی عمل می شود.

هیل تجربه های مشخصی و جهت دار کودک و بازیهای کلاسی را توصیه کرده است.

بازیهایی که بر پایه فعالیتهای طبیعی دوران کودکی استوار باشند کودک خود را بازسازی واقعیت وجودی خویش آزاد احساس کند. نهضت اصلاح کودکانها ضمن سعی در حفظ فلسفه فروبل، تشریفات غیر ضروری در روشهای کودکانی را کنار می گذاشت.

^۲ - Karl. schurz

۲-۴- تاریخچه شکل گیری مراکز پیش دبستانی در ایران

در نیمه قرن اخیر آموزش و پرورش پیش دبستانی (کودکستان و مهد کودک) در کشور ما نیز در نتیجه نیازها و تغییرات اجتماعی و اقتصادی ضرورت پیدا کرده به علاوه آشنایی با تحقیقات و نظرات روان شناسان و علمای آموزش و پرورش بر اهمیت آن افزوده است. از سال ۱۲۹۸ شمسی در تهران و بعضی از شهرهای ایران میسپونرهای مذهبی ایران و اقلیتها کودکستان هایی را تاسیس کردند و امر مراقبت از کودکان تلاش های ابتدایی داشتند از جمله سروژبان در تهران و سپس خانزاریان در تبریز کودکستانها و محل هایی برای نگهداری اطفال و کودکان دایر نمودند که اکثر آنها مربوط به خانواده های اقلیت های مذهبی بود. اولین کودکستان در ایران در سال ۱۳۰۳ شمسی در شهر تبریز و در محله صفی بازار توسط جبار باغچه بان (عسکر زاده) به نام باغچه اطفال تاسیس شد. در سال ۱۳۰۷ کودکستان دیگری در شیراز تاسیس کرد.

البته کودکان خانواده های مرفه به خصوص کارمندان عالی رتبه در کودکستان مزبور شرکت می کردند و بازیها و مراقبت های گروهی را تجربه می کردند با استقبالی که از این کودکستان ها به عمل آمد طی مدت کوتاهی در تهران و پاره ای از شهرهای بزرگ کشور از سوی بخش خصوصی کودکستان هایی افتتاح و با برنامه های ساده از قبیل بازیهای مرسوم، آموزش مقدماتی خواندن و نوشتن، نقاشی، عروسک بازی، و غیره در جلب رضایت خانواده ها تلاش می کردند.

اولین امتیازی که از طرف معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای تاسیس کودکستان ها صادر شد. بنام برسابه هوسپیان در تاریخ ۱۳۱۰/۰۴/۳۱ بود. بنابراین می توان گفت با این که اولین کودکستان ها در ایران به صورت پراکنده و خصوصی تاسیس شدند. سال ۱۳۱۰ سرآغاز جدیدی در تاریخ آموزش پیش دبستانی است. اولین آیین نامه کودکستان ها در سال ۱۳۱۲ به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید که در ماده اول آن سن اطفال مورد پذیرش در کودکستان ها را ۴-۷ سال در نظر گرفته بود. در سال ۱۳۳۴ در وزارت فرهنگ اداره مستقلی برای کودکستانها تاسیس شد و در سال ۱۳۳۵ نیز آیین نامه جدیدی بری اداره امور کودکستان ها به تصویب رسید که در آن سن کودکان بین ۳-۶ سال قید شده بود.

در سال ۱۳۴۰ اداره امور کودکستان ها نیز منحل شد و تمام کارهای مربوط به کودکستان ها به اداره کل تعلیمات ابتدایی محول گردید، به هر حال تا سال ۵۱-۱۳۵۰ تعداد کودکستان ها ۴۳۱۰ واحد بوده است. در سال ۱۳۵۰ اداره کل تعلیمات ابتدایی به دفتر برنامه ریزی آموزشی ابتدایی تغییر نام داد و واحد کودکستان مسئولیت طرح و برنامه ریزی آموزش و پرورش قبل از دبستان را عهده دار شد. در سال ۱۳۵۴ با توجه به توسعه کودکستانها و تربیت مربی کودک دفتر آموزش ابتدایی به دفتر آموزش کودکستانی و ابتدایی تغییر نام یافت و بالاخره در سال ۱۳۵۹ در اداره کل و سپس در دفتر آموزش عمومی ادغام شد. (مفیدی، ۱۳۷۲)

۲-۵- تئوریهای رشد اجتماعی

اگر به ویژگیهای فرد فراگیر به عنوان راهی برای تعیین مهارتهای اجتماعی مورد نظر توجه شود می توان از مجموع معیارهایی که در تئوریهای رشد آمده استفاده کرد. آنچه ممکن است بحث انگیز باشد، این است که آیا رفتار همواره بر اساس مراحل که نظریه پردازان مختلف ارائه داده اند رشد می کند. آیا برخی رفتارها را می توان در یک مرحله ساده تر از مرحله دیگر آموزش داد یا کسب کرد و این که چه رفتارهایی را باید آموزش داد و چه رفتارهایی را صرفاً و الزاماً معلول بلوغ دانست. تردید نیست که تئوریهای مرحله ای در عین حال شاخصهای کلی رشد اجتماعی هستند و به تعیین مسیر آموزشی رفتارهای اجتماعی کمک می کنند تئوریهای رشد در تئوریهای فروید^۳، پیازه و نیز مدل رشد اخلاقی کولبرگ خلاصه می شود.

۳- نتیجه گیری

این مقاله با هدف بررسی و بازکاوی آموزش های پیش دبستانی و نقش آن در رشد مهارت های کودکان انجام شده است. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که دوره ی پیش دبستان با دوره ی مهدکودک تفاوت های بسیاری دارد، چون در دوره ی مهدکودک، صرفاً بازی می کند، تغذیه می شود و نهایتاً شعر یا قصه یاد می گیرد و بعد هم استراحت کرده و سپس آماده ی رفتن به منزل می شود. به عبات بهتر، کودک آموخته است که باید مدت زمانی را در مهدکودک گذرانده و بعد هم به اتفاق والدین راهی خانه شود. از طرفی مهدکودک معمولاً پذیرای کودکان مادران شاغل یا کودکان خانواده های مرفه است، در حالی که دوره ی پیش دبستان، کودک با همسالانی از تمام اقشار جامعه مواجه است. در این دوره که امروزه نقش مثبت خود را بیش از پیش می دهد کودک می آموزد، نقاشی می کشد، قصه می گوید و حتی ایفای نقش می کند. گذراندن دوره ی ۹ ماهه ی پیش دبستانی، کودک را آماده می کند تا بتواند با مربی ارتباط برقرار نماید. زیرا نخستین مکان جدی که کودک پس از جدا شدن از خانه و خانواده به آن وارد شده و حضور در فضای جدید را تجربه می کند، همین دوره است. امروزه با تاسیس مراکز پیش دبستانی که با هدف آموزش، زمینه ی مساعدی را برای حضور مادران در جامعه و از طرفی رشد کودکان فراهم می کند، دغدغه های خانواده ها کمتر شده است.

کودکان نیازمند محیط هایی هستند که بتواند به قابلیت های عاطفی و اجتماعی آنان غنا بخشیده و آنها را تقویت نماید. رکن اساسی آموزش کودک در این دوره، مربیان هستند، مربیانی آگاه و توانمند که کودک را دوست دارند. مربی پیش دبستانی باید به این باور رسیده باشد که می تواند در کنار خانواده، بخشی از مسئولیت آموزش کودک را بر عهده بگیرد. همچنین طراحی فضای فیزیکی مراکز پیش دبستانی باید به گونه ای باشد که برای کودک مطلوب، شادی بخش و برخوردار از حداقل امکانات لازم باشد. باید وسایل و ابزار، متناسب با سن کودک و قابلیت های او فراهم آید. بازی کار کودک است، آموزش هایی که در مراکز پیش دبستانی به کودکان داده می شوند، زمینه ی رشد، یادگیری مفاهیم ریاضی، خواندن و نوشتن و زبان آموزی را به شکل غیرمستقیم فراهم می کنند. محور اصلی در این آموزش ها بازی است. بازی کار کودک است. بنابراین باید آن را با ارزش، مثبت و برای کودک ارزشمند تلقی کرد. با فراهم کردن شرایط مناسب این امکان برای کودک مهیا می شود.

مشارکت والدین در کنار مربی نقش مهمی در آموزش کودک دارد، با توجه به این که سابقاً ورود کودکان به دوره ی پیش دبستانی اجباری نبود، والدین هنگام ورود کودکان به مدرسه دچار مشکلات عدیده ای می شدند که خوشبختانه با پر رنگ شدن نقش مرکز پیش دبستانی، والدین به این باور رسیده اند که ورود کودک به دوره ی پیش دبستانی نه تنها مفید، بلکه ضروری است. البته طبق قانون، تنها گذراندن دوره های ابتدایی و راهنمایی اجباری است، اما با توجه به اثرات مثبتی که دوره ی پیش دبستانی در پیشرفت تحصیلی کودکان دارد، جلب مشارکت و ترغیب والدین و توجه به آن از اهمیت بالایی برخوردار است. لازم به ذکر است مفاهیم و محتوای آموزش هایی که در دوره پیش دبستانی به کودک داده می شود، بسیار مفید و ضروری می باشند. چون همان گونه که در مقاطع تحصیلی، واحدهای درسی وجود دارد، در دوره ی پیش دبستانی نیز واحدهای کار گنجانده شده است، به این معنی که آموزش ها با هدف انتقال مفاهیم ریاضی، دینی و زبان آموزی ارائه می شود. برای مثال تعریف یک داستان، به زبان آموزی کودک کمک می کند و دایره لغت او را گسترش می دهد، این امر در خصوص کودکان دو زبانه اهمیت بیشتری دارد. در دوره ی پیش دبستانی، مربی محوریت داشته و نقش او در تربیت کودک پررنگ است، باید مربیان را در امر آموزش تربیت کرد که خوشبختانه در حال حاضر وزارت آموزش و پرورش برای مربیان پیش دبستان این امکانات را فراهم نموده است.

منابع و مراجع

- علی محمد حیدری - صفرعلی ترجمان - «پایان نامه آموزش پیش دبستانی»
اسپادک، برنارد - «آموزش در دوران کودکی» ترجمه: محمد حسین نظری نژاد - مشهد - انتشارات آستان قدس رضوی
الن، ایلین و هارت، بتی - «آموزش و پرورش در کودکان» ترجمه: محمد حسین نظری نژاد - مشهد - انتشارات آستان قدس رضوی
ایراک، استفان - «راهنمای تحقیق و ارزشیابی در روانشناسی و علوم تربیتی» - ترجمه علی دلاور - نشر ارسباران.

